

تحلیل شخصیت گرد آفرید بارویکر در روان شناسی مثبت نگر

حمیده علینقی لنگری*

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تحلیل شخصیت گرد آفرید نخستین بانوی حماسه ملی ایران بارویکر در روان شناسی مثبت نگر مارتین سلیگمن بود. جامعه مورد تحلیل شخصیت های زنان شاهنامه به ویژه گرد آفرید می باشد. طرح پژوهش توصیفی - تحلیلی بود که در بخش توصیفی اطلاعات با شیوه مطالعه کتابخانه ای جمع آوری شده است؛ سپس در حوزه روان شناسی به تحلیل شخصیت گرد آفرید طبق آرای مارتین سلیگمن پرداخته شد. که بر این اساس چند دسته از ویژگی های روان شناسی مثبت نگر که در شخصیت گرد آفرید بود از جمله خرد، شجاعت، تعالی، اعتماد به نفس و خودباوری مورد مطالعه قرار گرفت. یافته های به دست آمده بیان گر این است که روان شناسی مثبت نگر علمی است که در پی یافتن راهکارهایی مناسب برای زندگی مطلوب بشر امروزی است. در این رویکرد به نقاط قوت و توان مندی های انسان از قبیل شجاعت، سعادت، خرد و دانایی توجه می شود و این که انسان ها می توانند با کمک اراده و تحت تأثیر بسیاری از فضایل ذکر شده در روان شناسی مثبت نگر به منظور مبارزه با مشکلات، اقدام کنند تا در مسیر زندگی ایده آل و مطلوب خود قرار گیرند، همان گونه که گرد آفرید نماد نخستین زن حماسی ایران، برخلاف حماسه های اروپایی با شجاعت و دانایی خردمندانه تر از فرمانروایان بزرگ جنگ، عمل کرد.

کلید واژگان: شخصیت، گرد آفرید، روان شناسی مثبت نگر.

مقدمه

هنر و ادبیات یکی از ابزارهای مهم اطلاعاتی برای روان‌شناسی محسوب می‌شده است. زیرا با وجود کاستی‌هایی در متون کلاسیک اعم از محدودیت در شخصیت‌پردازی، کاستی در بخش صحنه‌پردازی نسبت به رمان‌های دوره‌ی مدرن، کمبود انعطاف شخصیت‌ها و گریزناپذیری آنها از چهارچوب و تیپ و مدل مرسوم و پای‌بندی متون به داستان‌های شفاهی، اساطیری و... می‌توان با نگاه ناقدانه و ظریف‌تری به دریافت این‌گونه برداشت‌ها از متون رسید (صنعتی، ۱۳۸۵: ۴). از این رو باید بیان کرد که شناخت انسان به‌طور کلی بسیار دشوار است زیرا هر فرد انسانی یک واحد هماهنگ نیست و سرشت او سرشار از تناقض است (فراست‌خواه، ۱۳۸۴: ۱). اهمیت این نکته براساس آنچه کاپلان و سادوک (۲۰۰۳، ترجمه پورافکاری، ۱۳۹۱) بیان می‌کنند؛ شخصیت از دو هسته اساسی تشکیل شده می‌باشد که سرشت (مزاج) به عنوان هسته هیجانی شخصیت و منش به عنوان هسته ادراکی آن تلقی می‌شود [و می‌تواند آینده فرد را تعیین کنند]، تأیید می‌گردد. همچنین محققین در تعاریفشان بیان می‌کنند «شخصیت سازمان پویا و نسبتاً پایداری است که فرد را از دیگران متمایز کرده و امکان پیشینی رفتار فرد را در موقعیتهای معین، فراهم می‌کند» (علیپور و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۷) که البته باید دانست قسمت زیادی از آن ناخودآگاه است. ناخودآگاه بی‌آنکه انسان بداند، سرشت وی بر اعمال و رفتار او تاثیر می‌گذارد و به‌طور شگرفی در آثار هنری تجلی می‌یابد؛ از این رو فروید می‌گوید: «من خود ضمیر ناخودآگاه را کشف نکردم. کاشفان حقیقی آن شعرا و هنرمندان هستند» (هوف، ترجمه پروینی، ۱۳۵۶: ۱۵۰).

یکی از افرادی که می‌توان از این جنبه مورد بررسی قرار داد و شخصیت وی را بر اساس شاهنامه، توصیف کرد گردآفرید است. شخصیت گرد آفرید شخصیتی مسطح نیست بلکه شخصیتی پیچیده است که نمی‌توان آن را به سادگی شناخت زیرا شخصیت او در اسطوره تکامل یافته است و از سطح فراتر می‌رود (صنعتی، ۱۳۸۵: ۲). وجود زن در حماسه‌های ایران، مثل دیگر حماسه‌های جهان، مستقل از وجود مرد تعریف نمی‌شود. به عبارت دیگر، زن در حماسه یا مادر قهرمان داستان است یا همسر او و یا دخترش و موارد اندکی می‌توان یافت که در حماسه، به شخصیت زن جدا از این نقش‌ها توجه شده باشد. در واقع وجود زنانی دلاور مثل گردیه، گردآفرید و بانو گشسب نیز در گردونه‌ای معنا می‌یابد که به دست مردان داستان چرخانده می‌شود و حتی داستان‌های مربوط به ایشان نیز رنگ و بویی مردانه دارد (کراچی، ۱۳۸۲: ۱). اگر طبق تقسیم‌بندی مرسوم، شاهنامه را به سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی تقسیم کرد، باید گفت حضور زنان در شاهنامه در هر دوره با دوره دیگر متفاوت است. به‌طور کلی زنان دوران پهلوانی مهم‌تر و دارای نقش‌های مؤثرتری نسبت به زنان دوره‌ی تاریخی و اساطیری هستند و به همین دلیل هست که مشهورتر نیز هستند. حضور زنان در دوره‌ی اساطیری بسیار کم رنگ است و جز فرانک که حضور مؤثر و تعیین‌کننده‌ای دارد همگی در سایه‌ی حضور پهلوانان و شاهان گم می‌شوند. در دوران پهلوانی زنان حضور و تأثیر بیشتری در داستان‌ها دارند. مهم‌ترین و معروف‌ترین زنان شاهنامه را در این دوره مشاهده می‌شوند. اسلامی ندوشن (۱۳۷۰: ۱۹) در مورد زنان این دوره معتقد است: «در دوران پهلوانی شاهنامه، حضور زن لطف و گرمی و نازکی و رنگارنگی به ماجراها می‌بخشد. این زن‌ها هستند که به داستان‌های تراژیک شاهنامه آب و رنگ بخشیده‌اند». رودابه، سودابه، تهمنه، گردآفرید، فرنگیس، منیژه و کتایون از

جمله این زن ها هستند. زنان بخش پهلوانی با وجود تعداد اندک شان نسبت به زنان بخش تاریخی شاهنامه نقش مهم تر و پر رنگ تری در داستان ها دارند.

با توجه به مهارت فردوسی در شخصیت پردازی و تبیین شخصیت های داستان در قالب گفتار، و اشراف او بر روان شخصیت ها در قالب راوی دانای کل، شاهنامه می تواند روان کاوان را به در یافت های جدیدی در این زمینه رهنمون سازد از آنجا که شاهنامه سرشار از زمینه های متنوع برای تحقیق است و در باره ی شاهنامه و شخصیت های داستان های آن مطالعات فراوانی صورت گرفته و آثار فراوانی تالیف شده است. اما پژوهشی که ناظر بر جزئیات داستان گرد آفرید و روان شناسی مبتنی بر رویکرد زوایای مثبت شخصیت او باشد یافت نشده، لذا ضرورت ایجاب می کند که این تحقیق فتح بابی باشد برای تحلیل های آینده و زمینه را برای مشتاقان تحقیق در زمینه شاهنامه و روان شناسی مثبت نگر هموار سازد. لذا هدف پژوهش حاضر پیوند میان ادبیات و روان شناسی است و تحلیل شخصیت گرد آفرید بر اساس نظریات روان شناسی مثبت نگر می باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه گیری: طرح پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه مورد تحلیل شخصیت زنان شاهنامه به ویژه شخصیت گرد آفرید بود که به عنوان نمونه در نظر گرفته شد، که در بخش توصیفی اطلاعات با شیوه مطالعه کتابخانه ای جمع آوری شد؛ سپس در حوزه ی روان شناسی مثبت نگر به تحلیل شخصیت گرد آفرید طبق آراء مارتین سلیگمن (۲۰۰۰)، ترجمه تبریزی و همکاران، (۱۳۸۸) پرداخته شد.

روش اجرا

مبنا و روش کار در پژوهش حاضر گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است، که از طریق فیش برداری، صورت گرفته است؛ که به توصیف و تحلیل شخصیت گرد آفرید بر مبنای روان شناسی مثبت نگر پرداخته است.

خلاصه ی داستان گرد آفرید

گرد آفرید دلربا و چالاک با این که در شاهنامه حضور کوتاه دارد و شکست می خورد، بسیار برجسته است و یکی از گیرا ترین زنان شاهنامه دانست. در رهسپاری سهراب از توران به ایران، هنگامی که وی در جستجوی پدرش رستم است، گرد آفرید معرفی می شود. در مرز توران و ایران، دژی به نام سپیددژ هست گژدهم که یک ایرانی سالخورده است، بر آن فرمان می راند و همواره در برابر دشمن پایداری سرسختانه می ورزد و با این کار، دل همه ی ایرانیان را به آن دژ امیدوار می سازد. گژدهم پیر، پسری خرد به نام گسستهم دارد، و دختری به نام گرد آفرید. سهراب ناچار است، پیش از در آمدن به خاک ایران از دژ بگذرد، در نبرد میان سهراب و هژیر، فرمانده ی دژ، براو پیروز می گردد. سهراب نخست می خواهد او را بکشد، اما سپس او را اسیر کرده راهی سپاه خود می کند. آگاهی از این رویداد، دژنشینان راسراسیمه می سازد، اما گرد آفرید

چنان این را مایه ی ننگ می داند که بر آن می شود خود به نبرد او رود. سهراب در پی چالش آن شیرزن به رزم گاه درمی آید و آن دو به پر خاش و نبرد درمی آیند. سهراب در برابر باران تیر گرد آفرید، ناچار سپرش را به کار در می آورد. وی جنگ کنان نزدیک گرد آفرید می شود و نیزه ی او را می گیرد. با نیزه جامه ی جنگی او را می درد. گرد آفرید شمشیر می کشد و با فرود آوردن نیزه سهراب را می شکند. سرانجام می بیند که توان رویارویی با سهراب را ندارد و می کوشد سوی دژ بگریزد. اما سهراب به او می رسد و کلاه خودش را بر می گیرد؛ تازه می بیند که آن پیکارگر نه مرد، بلکه دختری زیبا روی است. گرد آفرید به نیرنگ دست می یازد و به سهراب می گوید که خوب نیست رزمندگان ببینند که وی در نبرد با یک دختر به چنین کوشش ورنجی گرفتار آمده و به او پیشنهاد می کند که همراهش به درون دژ برود. سهراب که خیره ی او شده، در دام شگرد گرد آفرید می افتد. گرد آفرید او را تا درب دژ می آورد، سپس با چابک دستی بسیار به درون دژ می جهد و در را می بندد. سهراب بیرون می ماند. گرد آفرید به بالای دژ می رود و ریشخند کنان فریاد می زند: "ترکان زایرانیان نیابند حفت!" سپس به اندرز به او می گوید که بهتر است پیش از آن که رستم به انجا برسد، همراه سپاهش به توران برگردد (خالقی مطلق، ۱۳۹۴: ۱۸۷).

دیدگاه روان شناسی مثبت نگر

روان شناسی مثبت نگر در کمتر از دو دهه توانسته است با مطالعه و پژوهش فراوان کتاب و مقالات بسیاری به علاقه مندان این حوزه عرضه کند و راه های علمی و عملی زیادی را در جهت افزایش کیفیت زندگی بشر ارائه دهد و به این وسیله بر دانش و رفتار مثبت گرایان بیفزاید. برای رسیدن به هدف مندی، معنا در زندگی و خوش بینی پترسون و سلینگمن^۱ (۲۰۰۵) پیشنهاد می کنند که مردم نیازمند کار رشد یافته، ارتباطات اجتماعی گسترده و فعالیت هایی که باعث نیرومندی و گسترش فضایل کلیدی می شوند هستند، آنان فضیلت های کلیدی را در شش حیطه ی خرد، دانش، شجاعت، رفت و عشق، عدالت، میانه روی و تعالی ارائه کرده اند. به عنوان مثال در روان شناسی خرد در مفاهیمی چون خلاقیت، خود مختاری، هویت و مخصوصاً در مرحله نهایی "رشد شخصیتی" تعبیر می شود (کار، ۲۰۰۴). و البته خردی که سلینگمن و همکارانش (۲۰۰۰) در روان شناسی مثبت نگر به آن می پردازند، فضیلتی است که از طریق کنجکاوی، شور، اشتیاق، عشق به یادگیری، خلاقیت، فضاوت عادلانه، تعادل، انعطاف، داشتن توان و ساختن "تصویری بزرگ از زندگی در ذهن است." گرد آفرید با همه ی دلیری نیرنگ باز است و سهراب را می فریبد (نقل از سرّامی، ۱۳۸۸: ۶۹۷). البته این فریب کاری بیش از آنکه از روی ستم و ناجوانمردی باشد، زیرکانه و از روی خردورزی، دانایی و باز بودن ذهن و هوش است و به دلیل این که آن دو در جگند این نیرنگ وزیرکی او از حيله های جنگی محسوب می شود و به گونه ای از حس میهن پرستی او نشات می گیرد.

مورد دیگری که در روان شناسی مثبت نگر مطرح می شود شجاعت است. در شاهنامه تنها دو زن پهلوان و جنگجو دارد که نام شان نیز نشان دهنده ی پهلوانی آن دو است: یکی گرد آفرید و دیگری گردیه. گرد آفرید نقشی کوتاه اما با صلابت دارد؛ نقش گردیه مهم تر و طولانی تر است و حتی به سپهسالاری لشکر نیز می رسد. گرد آفرید دختر گزدهم مرزبان ایرانی است که تنها در یک صحنه از داستان سهراب ظاهر

۱. Seligman & Peterson

۲. Carr

می شود اما از ذهن خواننده شاهنامه هیچ گاه بیرون نمی رود. او دلیر، شجاع و در عین حال باهوش وزیرک است. دلیری گرد آفرید چندان است که سهراب را به تحسین و می دارد (سرامی، ۱۳۸۸: ۷۰۱).
شگفت آمدش گفت از ایران سپاه چنین دختر آید به آوردگاه
نقش کوتاه اما پر قدرت گرد آفرید در شاهنامه در جنگ با سهراب بیان گر این است که ایرانیان حتی به دختران خود فنون جنگی را آموزش می داده اند جنگ یک تنه ی او با سهراب نشان دهنده ی دلیری، بی باکی، گستاخی و شجاعت اوست. او باین شجاعت وزیرکی تحسین برانگیز سهراب را می فرید و از جنگ رهایی می یابد:

بدانست کاویخت گرد آفرید مران را جز از چاره در مان ندید
(فردوسی، ۱۳۷۴: ۱۷۸)

تعالی نیز از جمله فضیلت هایی است که توسط سلگمن و همکارانش (۲۰۰۰) مطرح می شود که شامل مفاهیم متعدد از جمله؛ امید، معنویت بخشش خوش رویی و... می باشد، و زمانی که انسان به همه ی این فضایل آراسته گردد رضایت و آسودگی خاطر به او دست می دهد و احساس سعادت و رضایت می کند. کمال طلبی و برتری جویی از مراتب کمال انسان محسوب می شود؛ زیرا رشد و تعالی فکری تعالی جامعه را در پی دارد و تعالی جامعه مسیر سعادت مندی انسان ها را هموار می سازد، که هدف آن رضایت و شادمانی انسان هاست. که این تعالی فکری در وجود گرد آفرید کاملاً بارز است. اعتماد به نفس و خود باوری از موارد مطرح شده در روان شناسی مثبت نگر می باشد. اندیشه ها و افکار مثبت باعث افزایش اعتماد به نفس و خود باوری در انسان می شود و افکار منفی احساس حقارت و خود کم بینی را در انسان تشدید می کند. "عمل و رفتار ما ناشی از برداشتی است که از خودمان، مردم و دنیای اطرافمان داریم و با حقیقی پنداشتن این برداشت ها و تصاویر ذهنی است که رفتار ما شکل می گیرد. انسان بر اساس پندار خود در باره ی خود و محیط اطرافش عمل می کند" (نقل از رابینز، ۱۹۶۱، ترجمه آل یاسین، ۱۳۷۸: ۲۵). اعتماد به نفس موجب انگیزه های مثبت بسیار در فرد می شود و انسان را در مقابله با مشکلات زندگی قدرتمند و پیروز می گرداند. زمانی که گرد آفرید در می یابد که شکست اوقطعی است؛ متوجه می شود که بهترین راهکار استفاده از مکر زنانه است.

دو لشکر نظاره بر این جنگ ما برین گرز و شم شیر و آهنگ ما
کنون من گشایم چنین روی و موی سپاه تو گردد پر از گفت و گوی
که با دختری او به دشت نبرد بدین سان به ابر اندر آورد گرد
(فردوسی، ۱۳۷۴: ۱۷۶)

در نهایت گرد آفرید به طور موقتی و مصلحتی تسلیم می شود و به سهراب می گوید.

کنون لشکر و دژ به فرمان تست نباید بر این آشتی جنگ جست
دژ و جنگ و دژبان سراسر تو راست چو آیی به دان سازکت دل هواس
(فردوسی، ۱۳۷۴: ۱۷۳)

گردآفرید می‌افزاید که دژ و گنج و دژبان همگی از آن تو خواهد بود و هر گیه که بخواهی می‌توانی به دژسپید گام بنهی. اما گردآفرید پیش از آن با خدعه زنانه می‌خواهد برابری جسمی خود با سهراب را در برابر هردو گروه از لشکریان به رخ کشد، به همین خاطر با وعده پنهانی ازدواج موجب می‌شود که سهراب عنان به عنان و برابر با او حرکت کند و تا در دژ او را بدرقه نماید. "همی رفت و سهراب با اوبه هم" (فردوسی، ۱۳۷۴:۱۷۶)

عنان به عنان رفتن یعنی برابری جسمی و از دید گردآفرید بسیار بهتر از به اسارت رفتن است. سواره رفتن گردآفرید و سهراب با هم، در ذهن گردآفرید به معنای برابری توان جسمی است و نشان دهنده اعتماد به نفس بالای اوست؛ که در نهایت جنگ نابرابر میان گردآفرید و سهراب به این ختم می‌شود که:

عنان را بیچید گرد آفرید سمنند سرافراز بر دژ کشید
در باره را بگشاد گردآفرید تن بسته و خسته بر دژ کشید
(فردوسی، ۱۳۷۴:۱۷۶)

یافته‌ها

زنان شاهنامه شخصیت‌های گوناگون دارند، گاه مثبت و گاه منفی. «توصیف‌ها و تصویرسازی‌های فردوسی از شخصیت‌های شاهنامه به گونه‌ای است که با مقایسه آنها و نظریه‌های شخصیت‌شناسی در دانش روان‌شناسی، می‌توان به نوع شخصیت روان‌شناختی ایشان پی برد» (قبول و یاقعی، ۱۳۸۸: ۶۶). از این منظر در شاهنامه در اغلب اوقات خصایص نیک و بد در وجود زنان باهم آمیخته شده است. برخی زنان دارای شخصیت‌های پیچیده‌ای هستند که در هر داستان، بنا بر روند آن داستان به شکل‌های گوناگون مثبت و منفی ظاهر می‌شود. «بیشتر زنان شاهنامه مکار و نیرنگ‌بازند و یا به خوی ناخوش دیگری دچارند.» (سرامی، ۱۳۸۸: ۶۹۷) اکثر زنان شاهنامه دارای منش و رفتار مثبت و درخور اعتنایی هستند و حتی برخی که خوی بد و زشتی هم دارند، منش‌ها و اخلاق خوب‌شان بر آن بدی چربش دارد. در بین زنان مهم شاهنامه تنها سودابه است که بدکاری او را به هیچ وجه نمی‌توان از یاد برد و دیگران یا مثبت‌اند و یا خصوصیات مثبت آنها از خصایص منفی‌شان پیشی می‌گیرد. بنا بر این تعریف شخصیت گردآفرید نیز جز آن دست از زنان است که ویژگی‌های مثبت او بر ویژگی‌های منفی‌اش رجحان دارد.

"در شاهنامه به مواردی بر می‌خوریم که بر دست زنان کارهای بزرگی صورت می‌گیرد" (سرامی، ۱۳۸۸: ۷۰۰). باید در نظر داشت که شخصیت و نقش زنان در شاهنامه باید با شخصیت و نقش پهلوانان و شاهان و شاهزادگان تناسب داشته باشد؛ چرا که عدم تناسب بین شخصیت‌های زن و مرد باعث دوگانگی و عدم توازن در داستان‌ها می‌شود: «رعایت تناسب شخصیتی بین پهلوانان و دلیرمردان و شاهزادگان مرد، با زنان در شاهنامه بسیار مهم است. توقع همین است کسی که با رستم، سهراب، اسفندیار و پهلوانان دیگر زندگی می‌کند، باید به لحاظ خصلت‌های فردی و اجتماعی حداقل با آنها متناسب باشد» (اکبری، ۱۳۸۰: ۶۷). از این منظر، زنان شاهنامه، شخصیت‌ها و نقش‌های ضعیفی ندارند؛ البته این به معنای محوری بودن نقش آنان نیز نیست.

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان داد که: روان شناسی مثبت نگر به عنوان رویکردی بسیار مهم در قالب آثار ادبی نشانگر این موضوع است که در داستان های ادبی شخصیت ها یکسان نیستند و نمی توان حکمی کلی در مورد آنها صادر کرد. در مجموع؛ زنان نیز همانند مردان در نقش های مختلف، در حکایت ها حضور فعال دارند و گاه همانند گرد آفرید خردمندانه تر از مردان عمل می کنند، زن در شاهنامه، نسبت به فرهنگ زمان خود و پس از آن به طور قطع جایگاهی برتر یافته است. "با وجود این موضوع زن در شاهنامه، مانند بسیاری دیگر از مطالب این کتاب شگفت، سخت پیچیده است و پرسش انگیز (کیا، ۱۳۶۸: ۴۷-۵۰). بنا بر این در عصر دانش و پژوهش مهم ترین اقدام برای شناخت بهتر روان انسان، به ویژه زنان و بهبود کیفیت زندگی آنان این است که با نگاهی نوین و دقیق سعی شود پلی ساخته شود تا گذشته ی حماسه واسطوره را به تحقیقات جدید علمی از جمله روان شناسی مثبت نگر به عنوان علمی تازه بنیان که کمتر از دو دهه از عمرش می گذرد، پیوند زد. وبه این وسیله انسان هارا با توجه به اراده و نیروهای عظیم درونی شان در مسیر نیل به زندگی مطلوب و آرامانی خویش یاری نمود. همان گونه که گرد آفرید نماد نخستین زن حماسی ایران، برخلاف حماسه های اروپایی باشجاعت و دانایی خردمندانه تر از فرمانروایان بزرگ جنگ، عمل کرد و موجب تحسین همگان شد. یکی دیگر از مواردی که باید به آن توجه داشت، این است که فضای شاهنامه یک فضای حماسی است و در این فضای کلی نمی توان انتظار داشت که زنان هم پای مردان نقش آفرینی کنند. با وجود این نقش اندک اما حماسه آفرین گرد آفرید در شاهنامه چشمگیر و قابل تحسین است.

محور دیگر یافته های این پژوهش را می توان در ارائه پیشنهادی علمی در جهت رشد و تعالی بشریت جستجو کرد با این طرح که تبیین مولفه های روان شناسی مثبت نگر در قالب داستان های شاهنامه و سایر مطالب ادبی می تواند به عنوان ابزاری مناسب در جهت نیل سریع تر انسان ها به سوی اهداف شان مورد توجه و بررسی پژوهشگران در آینده قرار گیرد.

منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۷۰). آواها و ایماها، تهران: انتشارات یزدان.
- اکبری، منوچهر. (۱۳۸۰). شایست و ناشایست زنان در شاهنامه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تابستان و پاییز، ۹۹۴، ۶۱-۸۱.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۴). زنان در شاهنامه، تهران: نشر مروارید.
- رایبیز، آنتونی. (۱۹۶۱). توان بی پایان، ترجمه محمد رضا آل یاسین. تهران: هامون.
- سرآمی، قدمعلی. (۱۳۸۸). از رنگ گل تا رنج خار (شکل شناسی داستانهای شاهنامه)، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- سلیگمن، مارتین. (۲۰۰۰). روان شناسی مثبت نگر در خدمت خوشنودی پایدار، ترجمه مصطفی تبریزی و همکاران. تهران: نشر دانژه.
- صنعتی، محمد. (۱۳۸۵). صادق هدایت و هراس از مرگ، تهران: مرکز.
- علیپور، احمد و همکاران. (۱۳۸۶). روان شناسی عمومی، تهران: دانشگاه پیام نور.

- فراست خواه، حسین. (۱۳۸۴). فروید روانکاوی و جرم شناسی. روزنامه الکترونیکی شرق: WWW.
magiran.ir
- فردوسی، ابولقاسم. (۱۳۷۴). شاهنامه فردوسی (متن کامل بر اساس نسخه مسکو)، تهران: نشر قطره.
- قبول، احسان، محمد جعفر، یاحقی. (۱۳۸۸). شخصیت شناسی شغاد در شاهنامه، مجله جستارهای ادبی،
۸۱-۶۵، (۱)۴۲
- کاپلان، هارولد. ای.، سادوک، بنجامین. (۲۰۰۳). خلاصه روان پزشکی: علوم رفتاری-روانپزشکی
بالینی، ترجمه نصرت اله پورافکاری. (۱۳۹۱). جلد اول، نشر شهر آب.
- کراچی، روح انگیز. (۱۳۸۲). انوگشسب نامه، مقدمه، تصحیح و توضیح، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی.
- کیا، خجسته. (۱۳۶۸). استواری زنان شاهنامه در برابر مردان خودکامه، مجله آدینه، (۱)۴۰، ۴۷-۵۰.
- هوف، گراهام. گفتاری درباره نقد، ترجمه نسرین پروینی. (۱۳۵۶). تهران: امیرکبیر.
- Carr, A. (2004). Positive Psychology: The Science of Happiness and Human Strength. New York:
Brunner-Routledge.



Analysis of Gordafarid's Character Based on the Positive Psychological Approach

H. Alinaghi Langari*

Abstract

The purpose of the present study was to analyze the personality of Gordafarid, the first Iranian epic lady by the Martin Siligman positive psychology approach. The population was Shahnameh women and Gordafarid was taken as sample. A descriptive-analytic research project was compiled. In the descriptive field the data collected via library study method; then, in the field of psychology, Gordafarid's character analysis was conducted according to Martin Seligman's point of view. Based on this, several categories of positive psychological characteristics that were discussed in personality; including reason, courage, excellence and self-esteem were studied. The findings suggested that positive scientific psychology subsumed suitable solutions for the good life of humanity. In this approach, attention was drawn to the strengths and potentials of man, such as courage, prosperity, wisdom and knowledge. And that human can act with the help of will and under the influence of many of the virtues mentioned in positive psychology in order to confront the problems, as well as Gordafarid, as a symbol of the first Iranian epic woman, unlike European eagerness had behaved wiser than the great rulers of the war.

Keywords: character, Gordafarid, positive psychology.

* M.A. in Persian Language and Literature, Kerman Center Payam Noor University, Kerman, Iran (Corresponding Author, email: h_alinaghi1359@yahoo.com)